

# هزار روی نویسند

## آرزو فرهنگ

اطلاع‌رسانی به خواننده، او را از این گذرگاه به مدخل هر بحث بکشاند.

در هر فصل با آدم‌هایی روبه‌رو می‌شویم که خود دیگر هزار تو که نه، هزار رو دارند و به یقین باید نویسنده باشی تا بدانی در این سرزمین عجایب با دنیایی روبه‌رو می‌شوی بسیار پیچیده‌تر از آن‌که هر روز در آن چشم باز می‌کنی.

گرترو استاین یک عمر سی و نه ساله را با دوستی بردبار و همراه روزگار می‌گذرانند و هر دو با هم در خانه مشترکشان در خیابان فلورون میزبان میهمان‌هایی هستند سرشار از نبوغ و هنر که آن دو آثارشان را می‌بینند،

حرف‌هایشان را می‌شنوند و در شب‌های پرراز و رمز پاریس، حتماً قبل از خواب راجع به هر کدامشان ساعت‌ها پیچ می‌کنند. و سال‌ها بعد یا شاید در همان وقت، آنی که نویسنده است زندگی‌نامه خودنوشت‌اش را از زبان دیگری (آلیس بی. تکلاس) می‌نویسد.

آلیسی که هم در او و هم در کنار او به موازات می‌زیسته است. اما این بار نعلی زندگی‌نامه خودنوشت وارونه زده می‌شود. چرا؟ در پیچیده‌ترین سؤال‌ها، ساده‌ترین جواب‌ها را می‌یابی. چون در هر جای دنیا که باشد، از خود نوشتن اول چیزی را که طلب می‌کند تیغ تیز یا کند خودسانسوری است. آن‌جا که می‌خواهد بی‌پروا از توانایی‌های گفته شده و یا گفته شده و نوشته نشده همین «خود» بنویسد تا آن را برای دیگرانی که هرگز او را ندیده یا شاید نخوانده‌اند ثبت کند، ناگهان لبه تیغ در ذهن نویسنده خود را نشان می‌دهد.

گرترو استاین هوشمندانه با نوشتن از خود این معضل را حل می‌کند اما از زبان یار غار خود آلیس بی. تکلاس درباره خود.

قضاوت با شماست. می‌توانید او را دوست بنامید یا دشمنی خائن؟ حتی می‌توانید کمی جلوتر بروید و تصور کنید که گرترو از همان اولین دیدار و مشاهده شیفتگی آلیس به خود و سبک زندگی خود، او را همچون طعمه‌ای در اعماق ذهن انتخاب می‌کند برای آن‌که سال‌ها بعد از زبان او، از خود بنویسد.

«نابغه‌ای که می‌خواهد دیده شود اما نمی‌خواهد خودش را نشان دهد» چرا که «نابغه بودن یعنی این‌که کسی نتواند به تو دسترسی داشته باشد» و فقط «بتواند بهترین پاره‌های وجود را در نوشته‌هایت بیابد».



کتاب من و دیگری. احمد اخوت. تهران: جهان کتاب، ۱۳۸۷. ۲۱۲ ص. ۳۰۰۰۰ ریال.

بچه که بودم در ناحیه‌ای کوهستانی زندگی می‌کردیم و تابستان هر سال برای دیدار اقوام مجبور به تحمل رنج سفری طولانی می‌شدیم. بعد از سالیان دراز، اگرچه انتظار می‌رود که سختی آن سفرها همچنان در خاطرات کودکی‌ام بماند، اما حالا به آن روزها که فکر می‌کنم تنها اضطراب، دلهره و هیجان وصف‌نشده‌ی گذر از تونل‌های طولانی در پیچ و خم

کوهستان را به یاد می‌آورم که ابتدا دهانه‌ای مرموز و بعد از طی مسافتی در تاریکی، هیجان‌انگیزترین قسمت خود را نشانمان می‌داد. این‌که: درگذر از دهانه بعدی که رو به نوری خیره‌کننده باز می‌شد از کجا سر در خواهیم آورد؟

امروز شاید آن ذوق و هیجان را در هیچ جای دیگر، حتی در تونل‌های متعددی که در روزگار بزرگسالی از آن‌ها عبور کرده‌ام تجربه نکرده باشم، اما بارها در خواندن کتاب‌هایی به جست و جوی تکرار آن تجربه فراموش‌نشده بوده‌ام.

\*

خواندن کتاب من و دیگری نوشته احمد اخوت، بدون شک تکرار همان تجربه است و با خواندن هر فصل از کتاب، این دلهره در تمام راه با من می‌آید که این شروع به کجا می‌انجامد؟

احمد اخوت، این دهانه مرموز را با ورود به زندگی و شخصیت نویسندگانی توانا همچون گرترو استاین، رومن گاری، شکسپیر، بورخس و... به روی خواننده خود می‌گشاید.

عجیب آن‌که این قطار همچون ماشین زمان، قرن‌ها را طی می‌کند و ما را با خود می‌برد به درون درونی‌ترین بُعد نویسنده که همان شخصیت اوست: «من او» و «دیگرانی» که در او می‌زیسته‌اند. شاید اگر با تجربه‌های ذهنی نویسنده کتاب آشنا می‌بودیم دیگر نگران سرنوشت نویسنده و آدم‌های داستانی ساخته و پرداخته ذهنش نمی‌شدیم.

کتاب شامل سه بخش است با شانزده فصل. نویسنده با قراردادن سه مقدمه در ابتدای هر بخش، تلاش کرده تا با دادن پیش‌آگاهی و

## فهرست موجود کتاب‌ها

- کتاب کوچه (۱ تا ۱۲): احمد شاملو
- فلسفه در عمل: ادم مورتون
- توسعه و نابرابری: دکتر جواد زاهدی
- برخورد تمدن‌ها: کارن آرمسترانگ
- جامعه‌شناسی کار: کیت گرینت
- مدیریت پروژه: کله لند
- زمینه روان‌شناسی صنعتی/سازمانی: رونالد ریجو
- مار و روباه: مری هیت
- سر دلبران: به کوشش دکتر حسن ذوالفقاری
- درآمدی بر گویش‌شناسی: دکتر علی‌اکبر شیری
- هنر تحقیق علمی: ا.ب. بوریج
- داستان‌های ایشان: به کوشش دکتر حسن ذوالفقاری
- گزیده تاریخ تهران: حجت‌اله بلاغی
- فرهنگ اندیشه نو: گروه مؤلفان
- فرهنگ علوم اجتماعی: گروه مؤلفان
- فرهنگ علم: آلن ایزاکس - ئی. بی. اواروف
- یادداشت‌های علم: (دوره ۶ جلدی)
- آنا آخمتووا: ایلین فاینشتاین
- زندگینامه خود نوشت: جان استوارت میل
- دن آرام (دوره ۲ جلدی): شولوخوف
- سیلاب‌های خروشان: اسماعیل شیخلی
- اریش فرید
- خاطرات ارباب کیخسرو شاهرخ
- سرزمین کوجه‌های سبز: هر تا مولر
- امداد پزشکی: دیوید ورنر
- امداد مامایی: سوزان کلاین
- مذاکرات مجلس اول: به کوشش غلامحسین میرزا صالح
- انقلاب مشروطه ایران: به کوشش ر. ملک‌زاده
- اکتشاف اقتصادی ایران و امپریالیسم انگلستان: سلطانزاده
- روشنفکران و عالیجنابان خاکستری (دوره ۲ جلدی): ویتالی شنتالینسکی
- نان و گل‌های سرخ: میلتنون میلترز
- نقوش هندسی اسلامی: اریک پروک
- باخ فیلسوف نغمه‌ها: دنیس آرنولد
- فرهنگ ایمنولوژی: جان هربرت
- دو روایت از سلیم جواهری: به کوشش جعفری قنواتی
- زندگی من یا چه‌گوارا: هیلدا کادنا
- جنگ چریکی «چه»: رژی دبره

از مجموعه **فلسفه و علم** منتشر شده است:

- تاریخچه تقریباً همه چیز: بیل برایسن
- به ژنوم خوش آمدید: راب دوسال - مایکل یودل
- ۶ نظریه‌ای که جهان را تغییر داد: پل استراتن
- معمای زندانی: ویلیام پاندستون
- آونگ گالیله: راجر ج. نیوتون
- حکایت‌های علمی: ایدرین بری
- قوانین، نظریه‌های علمی و چیزهای دیگر به زبان ساده: سورندرا وارما
- چرا باد می‌وزد: ماتیس لوی
- نظریه علمی چیست: موتی بن - آری

آدرس: تهران، مقابل دانشگاه تهران، ساختمان ۱۴۳۰، طبقه اول، واحد ۴  
تلفن: ۶۶۴۶۲۴۲۱

نویسنده‌ای را مجسم کنید با یک نام (که در آن یکی هم شک وجود دارد) و او در درون خود، انباشته از نام‌های متعدد شخصیت‌های داستانی‌اش - و نه تنها شخصیت‌های داستانی خودش، بلکه به زعم بورخس انباشته از تمام شخصیت‌های داستانی گذشتگان خود - آدمی می‌شود سرشار از همه چیز و همه کس.

اکنون در میانه راه، درست در تاریک‌ترین فضای این تونل، کسی مثل لئون بلوی به ما می‌گوید: هیچ‌کس نمی‌داند کیست؟ در زمین هیچ انسانی یافت نمی‌شود که با اطمینان بتواند بگوید که کیست... اسم واقعی‌اش چیست؟ نام ابدی در دفتر نور ثبت شده است.

این‌جا دیگر موجودیت نویسنده با چهره واقعی و حتی با وجود تمثال‌های بی‌شمار از موم و سنگ به آرامی در پرده‌ای از ابهام فرو می‌رود.

همانند شک انکارناپذیر فرانسیس کار و مارک تواین در موجودیت شکسپیر. نویسنده‌ای که هوگو او را خدا می‌پنداشت، یک ابرموجود، و بورخس او را همه و هیچ می‌دید.

«تاریخ می‌افزاید که قبل یا بعد از مرگ، شکسپیر خود را در پیشگاه پروردگار دید و به او گفت: من که بیهوده کسان بسیار بوده‌ام می‌خواهم یکی و خودم باشم. صدای پروردگار از توی گردباد پاسخ داد: من نیز کسی نیستم. من جهان را به رویا دیدم همچنان‌که تو آثار را شکسپیر من. یکی از صورت‌های رویای من تو بودی. آن‌که چون من بسیار است و هیچ نیست.»

\*

از این تونل هم بیرون می‌آییم، نور خیره‌کننده واقعیت چشمانمان را می‌زند: دیگر نویسنده‌ای وجود ندارد و نه حتی خواننده‌ای: «استخوان‌ها مهم نیستند، می‌پوسند و خاک می‌شوند، اما آثار تا آخرین غروب باقی می‌مانند.»

# کتابفروشته

یادنامی پنجمین سال درگذشت بابک افشار

(جلد دوم)

به خواستاری

ایرج افشار

گروه همکاری:

عبدالحسین آذرنگ، علی دهباشی، سید فرید قاسمی،

نادر مطلبی کاشانی، رضا یکرنگیان

انتشارات جسته، تلفن: ۶۶۴۶۰۲۸۳